نگاه کارشناس

خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر

نادر انتصار: پس از آنکه برج‌های دوقلو به لفظ بومی، مرکز تجارت جهانی نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱ جلوی دیدگان جهانیان فرو ریخت، بسیاری از تئوریسین‌ها و تحلیلگران سیاسی بر این باور بودند که نظم نوین جهانی تنها در عرض چند ساعت تغییر کرده و جهان در حوزه روابط بین‌الملل وارد فاز جدیدی شده است. اگرچه این نظریه و مشتقات آن و خیزی بود که در رسانه‌های گوناگون نسبت به دست می‌شد که تصویرساز یک سازمان تروریستی مخوف در منطقه شبه‌قاره و بویژه افغانستان بود، رسانه‌ها و مقامات مختلف در ایالات متحده به شکل هماهنگ عملیات انجام شده در نیویورک را به این سازمان نسبت دادند و جدی نگرفتند که بسیاری از ابعاد این رویداد قویاً به یک اتفاق داخلی که بود، رسانه‌ها به تحلیل این اقدام تروریستی مشغول بودند، القاعده و بن‌لادن را به عنوان طراح و تیم اقدام‌کننده معرفی کردند. در شرایطی که اخبار داخلی آمریکا به آلوده‌زدی و کشتگان مشغول بود، اخبار غیر و نقیضی هم در برخی رسانه‌ها راه غیر طبیعی بودن قسمت‌هایی از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر از جمله حمله به پنتاگون و ساختمان کنگره آمریکا و... مطرح شد اما پروپاگاندای رسانه‌ای به حدی هماهنگی بود که به افکار عمومی اجازه نمی‌داد از آن با باور کند. با گذشت ۱۷ سال از حادثه ۱۱ سپتامبر بر آن شدیم تا نگاهی به حیات این شبکه تروریستی جهانی و ارتباط آن با بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی جهان داشته باشیم تا در نهایت بتوان درک درستی از این حادثه و ارتباط القاعده با CIA به مخاطب داد. برای درک حادثه ۱۱ سپتامبر باید مدتی عقب‌تر که هر چه از زوز این حادثه فاصله می‌گیریم ابعاد و اظهارات گوناگونی در رد این عملیات به شکل مستقل از سوی القاعده منتشر می‌شود که می‌توان به‌طور یقین بسیاری سپتامبر ۲۰۰۱ و استفاده ابزاری آمریکا از القاعده را بیش از پیش عیان کند. در دوران اشغال افغانستان از سوی قوای ارتش ستره شوروی و با بالا گرفتن شدت درگیری در افغانستان تعداد قابل توجهی از گروه‌های جهادی رادیکال در این جغرافیا شکل گرفت که بر اساس مواضع تندیها تعیین می‌شد و اغلب با عنوان متجاوز شوروی یا همان بولتن مارکس در این قالبها بود.

■ ابزار جنایت بانکی‌ها

در این میان آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده بر اساس خط ماموریتی خود در مقابل شوروی سابق و سپس روسیه فدراتیو کار خود را از طریق یک خط ارتباطی بنیادی با مجاهدین در افغانستان ارتباط برقرار کرد. هدف از این ارتباط سازماندهی و هدایت یک تشکیلات ایدئولوژیک در افغانستان برای مقابله با شوروی بود. تشکیلاتی که با پایان یافتن اشغال افغانستان بتوان از آن به صورت چندمنظوره برای رسمیت بخشیدن به تجاوزگری آنگلوساکسون‌ها و نسل‌کشی امریکایی‌ها استفاده کرد. این وقایع در حالی اتفاق می‌افتاد که با

رمزگشایی از ابعاد پنهان عملیات سپتامبر ۲۰۰۱ در گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با افسر سابق مرکز ضدتروریسم سازمان سیا

واشنگتن از افشای پشت پرده ۱۱ سپتامبر وحشت دارد

مجتبی مومنی: «ربع‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک پس از ۱۷ سال همچنان ابهام عملیات تروریستی سازمان القاعده قرار گرفت» این جمله، متن مهم‌ترین خبر منتشر شده در نخستین بخش خبری ساعت ۹ صبح به وقت محلی نیویورک در بازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ توسط رسانه‌های داخلی ایالات متحده و خارج از آمریکا بود. خبری که تنها با گذشت دقایقی از وقوع آن علاوه بر آنکه در صدر اخبار جهان قرار گرفت، توجه رسانه‌های مختلف و کارشناسان مسائل سیاسی و امنیتی را به خود جلب کرد. القاعده اسم رمز این واقعه عدم شناخت و درک درست از جامعه عراق بود. البته این بدان معنا نیست که ایالات متحده را از این درک مبری کنیم، بلکه اشتباهات تاکتیکی باعث به وجود آمدن داعش در عراق شد. آمریکایی‌ها بخوبی می‌دانستند با تغییر رژیم بعث در عراق طوفانی را به صورت کامل از بین نمی‌روند و این ساختار یک شبه نابود نشده و تغییر شکل نمی‌دهد.

این روند به عراق خلاصه نشد و هدف دیگر سوریه بود. درست است که سرویس و در قدرت قادرهای پس از ۱۱ سپتامبر قرار داشتند اما نمی‌توان آن را جدا از طرح خاورمیانه بزرگ دانست. اما مسأله جالب‌تر از تاثیر واقع سپتامبر بر عراق و سوریه، بحث تصویب آژانس از همان زوایا بود. این قانون در زمان برداشت عراضه به افکار عمومی آمریکا به آلوده‌زدی تروریست ۱۱ سپتامبر از جمله حمله به پنتاگون و ساختمان کنگره آمریکا و... مطرح شد اما پروپاگاندای رسانه‌ای به حدی هماهنگی بود که به افکار عمومی اجازه نمی‌داد از آن با باور کند. با گذشت ۱۷ سال از حادثه ۱۱ سپتامبر بر آن شدیم تا نگاهی به حیات این شبکه تروریستی جهانی و ارتباط آن با بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی جهان داشته باشیم تا در نهایت بتوان درک درستی از این حادثه و ارتباط القاعده با CIA به مخاطب داد. برای درک حادثه ۱۱ سپتامبر باید مدتی عقب‌تر که هر چه از زوز این حادثه فاصله می‌گیریم ابعاد و اظهارات گوناگونی در رد این عملیات به شکل مستقل از سوی القاعده منتشر می‌شود که می‌توان به‌طور یقین بسیاری سپتامبر ۲۰۰۱ و استفاده ابزاری آمریکا از القاعده را بیش از پیش عیان کند. در دوران اشغال افغانستان از سوی قوای ارتش سرخ شوروی و با بالا گرفتن شدت درگیری در افغانستان تعداد قابل توجهی از گروه‌های جهادی رادیکال در این جغرافیا شکل گرفت که بر اساس مواضع تندیها تعیین می‌شد و اغلب با عنوان متجاوز شوروی یا همان بولتن مارکس در این قالبها بود.

■ ابزار جنایت بانکی‌ها

در این میان آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده بر اساس خط ماموریتی خود در مقابل شوروی سابق و سپس روسیه فدراتیو کار خود را از طریق یک خط ارتباطی بنیادی با مجاهدین در افغانستان ارتباط برقرار کرد. هدف از این ارتباط سازماندهی و هدایت یک تشکیلات ایدئولوژیک در افغانستان برای مقابله با شوروی بود. تشکیلاتی که با پایان یافتن اشغال افغانستان بتوان از آن به صورت چندمنظوره برای رسمیت بخشیدن به تجاوزگری آنگلوساکسون‌ها و نسل‌کشی امریکایی‌ها استفاده کرد. این وقایع در حالی اتفاق می‌افتاد که با

پیوان شریعت: «ربع‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک پس از ریاض ۲ هواپیما عملیات تروریستی سازمان القاعده قرار گرفت» این جمله، متن مهم‌ترین خبر منتشر شده در نخستین بخش خبری ساعت ۹ صبح به وقت محلی نیویورک در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ توسط رسانه‌های داخلی ایالات متحده و خارج از آمریکا بود. خبری که تنها با گذشت دقایقی از وقوع آن علاوه بر آنکه در صدر اخبار جهان قرار گرفت، توجه رسانه‌های مختلف و کارشناسان مسائل سیاسی و امنیتی را به خود جلب کرد. القاعده اسم رمز این واقعه و خبری بود که در رسانه‌های گوناگون نسبت به دست می‌شد که تصویرساز یک سازمان تروریستی مخوف در منطقه شبه‌قاره و بویژه افغانستان بود. رسانه‌ها و مقامات مختلف در ایالات متحده به شکل هماهنگ عملیات انجام شده در نیویورک را به این سازمان نسبت دادند و جدی نگفتند که رسانه‌ها به یک رویداد قویاً به یک اتفاق داخلی که بود، رسانه‌ها به تحلیل این اقدام تروریستی مشغول بودند، القاعده و بن‌لادن را به عنوان طراح و تیم اقدام‌کننده معرفی کردند. در شرایطی که اخبار داخلی آمریکا به آلوده‌زدی و کشتگان مشغول بود، اخبار غیر و نقیضی هم در برخی رسانه‌ها راه غیر طبیعی بودن قسمت‌هایی از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر از جمله حمله به پنتاگون و ساختمان کنگره آمریکا و... مطرح شد اما پروپاگاندای رسانه‌ای به حدی هماهنگی بود که به افکار عمومی اجازه نمی‌داد از آن با باور کند. با گذشت ۱۷ سال از حادثه ۱۱ سپتامبر بر آن شدیم تا نگاهی به حیات این شبکه تروریستی جهانی و ارتباط آن با بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی جهان داشته باشیم تا در نهایت بتوان درک درستی از این حادثه و ارتباط القاعده با CIA به مخاطب داد. برای درک حادثه ۱۱ سپتامبر باید مدتی عقب‌تر که هر چه از زوز این حادثه فاصله می‌گیریم ابعاد و اظهارات گوناگونی در رد این عملیات به شکل مستقل از سوی القاعده منتشر می‌شود که می‌توان به‌طور یقین بسیاری سپتامبر ۲۰۰۱ و استفاده ابزاری آمریکا از القاعده را بیش از پیش عیان کند. در دوران اشغال افغانستان از سوی قوای ارتش سرخ شوروی و با بالا گرفتن شدت درگیری در افغانستان تعداد قابل توجهی از گروه‌های جهادی رادیکال در این جغرافیا شکل گرفت که بر اساس مواضع تندیها تعیین می‌شد و اغلب با عنوان متجاوز شوروی یا همان بولتن مارکس در این قالبها بود.

■ ابزار جنایت بانکی‌ها

در این میان آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده بر اساس خط ماموریتی خود در مقابل شوروی سابق و سپس روسیه فدراتیو کار خود را از طریق یک خط ارتباطی بنیادی با مجاهدین در افغانستان ارتباط برقرار کرد. هدف از این ارتباط سازماندهی و هدایت یک تشکیلات ایدئولوژیک در افغانستان برای مقابله با شوروی بود. تشکیلاتی که با پایان یافتن اشغال افغانستان بتوان از آن به صورت چندمنظوره برای رسمیت بخشیدن به تجاوزگری آنگلوساکسون‌ها و نسل‌کشی امریکایی‌ها استفاده کرد. این وقایع در حالی اتفاق می‌افتاد که با

■ پس از آنکه عملیات سپتامبر انجام شد، انتشار اسناد با هدایت و کنترل بسیار بالایی انجام شد اما در دولت اوباما رسماً مسؤولیت آن را متوجه عربستان دانستند؛ با گذشت ۱۷ سال از این عملیات تروریستی، آیا بدنه جامعه اطلاعاتی آمریکا آن را خلق یک واقعه از سوی مصدق می‌دانند؟

مصدق‌طور که اشاره کردید انتشار اسناد به دلیل حساسیت موضوع و حتی احتمال‌هایی که نشان از تسهیل عملیات در خاک آمریکا داشته باشد به سختی و با هدایت‌های مشخص انجام شد. من در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مرکز مبارزه با تروریسم سازمان سیا مشغول به کار بودم و از آن موقع تا امروز اعتقاد داشتم عربستان در این حملات دخالت داشته است. ممکن است عده‌ای بگویند این دخالت «رسمی» نبوده و دولت آن را تایید نکرده است اما این به معنای انحراف افکار عمومی است. نه‌تنها افکار عمومی آمریکا بلکه افکار عمومی کل جهان شواهد حقیقی و مستندی به اندازه کافی قوی است تا من و بسیاری دیگر را به این باور برساند که عربستان سعودی در این حملات دست داشته است.

■ آیا دولت ایالات متحده هم در این سناریو دست داشت؟

این سوالی است که خیلی‌ها منتظر هستند تا پاسخش در سال‌های آینده علنی شود. جواب دادن به این سوال باید بر اساس سند باشد نه گمانه‌زنی. اینکه دولت نمی‌گذارد هیچ نامی از سعودی‌ها در این بین آورده شود تنها جنبه سیاسی یا منافع اقتصادی ندارد، بلکه نشان می‌دهد آنها در این‌باره از افشای اسناد یا هرگونه اظهارات ترس دارند. این بدان معناست که در پشت پرده واقعی رخ داده که افشای آن اول به ضرر پرستیژ جهانی ریاض.

■ روایت‌های بسیار زیادی از عدل عملیات سپتامبر منتشر شده است که هر کدام از زوایای مختلف آن را بررسی کرده‌اند؛ به عنوان تحلیلگر مسائل تروریسم، مهم‌ترین ابهام ۱۱ سپتامبر را چگونه تحلیل می‌کنید؟

بسیار کسانی بودند که این سال‌ها سر تروریسم را بالا برده‌اند و سناریوی دیگر از سویی سیاه‌نمایی هجومی مارپد اسیالیسا منجر انگلیس و عملیات بلژیک به شکل مستقیم با القاعده مواجه شدند. بروز و ظهور آن هم در ساعات اولیه صبح و قبل از ظهر که رفت‌وآمدها در نیویورک زیاد است، تا حد زیادی بود و تبلیغاتی را تعیین کرده و البته بهانه داده شده است تزریق رعب و وحشت در اوایل روز تاثیر عمیق‌تری دارد. طراحی این بازه‌های زمانی زیرکانه

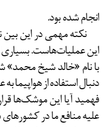

داعش به دلیل تهاجم ایالات متحده به عراق ایجاد شد. بدنه داعش همان القاعده است و زندانی‌هایی که در زندان نظامی ایالات متحده محبوس بودند و یا همسه اصلی القاعده عراق در ارتباط بودند تصمیم گرفتند یک جناح جدید خلق کنند البته باید این نکته را در نظر داشته باشیم توسط اعضای حزب سابق بعث داده بود سلاح خود را حفظ کنند

نه‌تنها تصمیمی از طرف این سازمان تروریستی را بلرها از رسانه‌ها و افکار عمومی همچون مارپد اسیالیسا منجر انگلیس و عملیات بلژیک به شکل مستقیم با القاعده مواجه شدند. بروز و ظهور آن هم در ساعات اولیه صبح و قبل از ظهر که رفت‌وآمدها در نیویورک زیاد است، تا حد زیادی بود و تبلیغاتی را تعیین کرده و البته بهانه داده شده است تزریق رعب و وحشت در اوایل روز تاثیر عمیق‌تری دارد. طراحی این بازه‌های زمانی زیرکانه

نگاهی به سیر حیات بزرگ‌ترین سازمان تروریستی آمریکایی

القاعده؛ از اتحاد با واشنگتن تا تهدید جهانی

پویان شریعت: «ربع‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک پس از ریاض ۲ هواپیما عملیات تروریستی سازمان القاعده قرار گرفت» این جمله، متن مهم‌ترین خبر منتشر شده در نخستین بخش خبری ساعت ۹ صبح به وقت محلی نیویورک در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ توسط رسانه‌های داخلی ایالات متحده و خارج از آمریکا بود. خبری که تنها با گذشت دقایقی از وقوع آن علاوه بر آنکه در صدر اخبار جهان قرار گرفت، توجه رسانه‌های مختلف و کارشناسان مسائل سیاسی و امنیتی را به خود جلب کرد. القاعده اسم رمز این واقعه و خبری بود که در رسانه‌های گوناگون نسبت به دست می‌شد که تصویرساز یک سازمان تروریستی مخوف در منطقه شبه‌قاره و بویژه افغانستان بود. رسانه‌ها و مقامات مختلف در ایالات متحده به شکل هماهنگ عملیات انجام شده در نیویورک را به این سازمان نسبت دادند و جدی نگفتند که رسانه‌ها به یک رویداد قویاً به یک اتفاق داخلی که بود، رسانه‌ها به تحلیل این اقدام تروریستی مشغول بودند، القاعده و بن‌لادن را به عنوان طراح و تیم اقدام‌کننده معرفی کردند. در شرایطی که اخبار داخلی آمریکا به آلوده‌زدی و کشتگان مشغول بود، اخبار غیر و نقیضی هم در برخی رسانه‌ها راه غیر طبیعی بودن قسمت‌هایی از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر از جمله حمله به پنتاگون و ساختمان کنگره آمریکا و... مطرح شد اما پروپاگاندای رسانه‌ای به حدی هماهنگی بود که به افکار عمومی اجازه نمی‌داد از آن با باور کند. با گذشت ۱۷ سال از حادثه ۱۱ سپتامبر بر آن شدیم تا نگاهی به حیات این شبکه تروریستی جهانی و ارتباط آن با بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی جهان داشته باشیم تا در نهایت بتوان درک درستی از این حادثه و ارتباط القاعده با CIA به مخاطب داد. برای درک حادثه ۱۱ سپتامبر باید مدتی عقب‌تر که هر چه از زوز این حادثه فاصله می‌گیریم ابعاد و اظهارات گوناگونی در رد این عملیات به شکل مستقل از سوی القاعده منتشر می‌شود که می‌توان به‌طور یقین بسیاری سپتامبر ۲۰۰۱ و استفاده ابزاری آمریکا از القاعده را بیش از پیش عیان کند. در دوران اشغال افغانستان از سوی قوای ارتش سرخ شوروی و با بالا گرفتن شدت درگیری در افغانستان تعداد قابل توجهی از گروه‌های جهادی رادیکال در این جغرافیا شکل گرفت که بر اساس مواضع تندیها تعیین می‌شد و اغلب با عنوان متجاوز شوروی یا همان بولتن مارکس در این قالبها بود.

■ ابزار جنایت بانکی‌ها

در این میان آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده بر اساس خط ماموریتی خود در مقابل شوروی سابق و سپس روسیه فدراتیو کار خود را از طریق یک خط ارتباطی بنیادی با مجاهدین در افغانستان ارتباط برقرار کرد. هدف از این ارتباط سازماندهی و هدایت یک تشکیلات ایدئولوژیک در افغانستان برای مقابله با شوروی بود. تشکیلاتی که با پایان یافتن اشغال افغانستان بتوان از آن به صورت چندمنظوره برای رسمیت بخشیدن به تجاوزگری آنگلوساکسون‌ها و نسل‌کشی امریکایی‌ها استفاده کرد. این وقایع در حالی اتفاق می‌افتاد که با

گذشت نه‌چند سال از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی و با بررسی گروه‌های موجود، افسران سیا به این نتیجه رسیدند که می‌توانند با تشکیلات القاعده در افغانستان ارتباط بگیرند. تشکیلاتی که با اعمال چند تغییر می‌توان برای سال‌های متمادی از آن بهره‌برداری کرد. سازمان القاعده در افغانستان از نیروهای بومی تشکیل شده بود که این مساله به‌تا یک تغییر از حالت یک‌دست بودن در آمده و واگزاینده تشکیلاتی جدیدی را به عنوان مشی اصلی خود در دستور کار قرار می‌داد. از آنجایی که نیروهای اصلی این سازمان از ایدئولوژی وهابی و از برخی موارد جنگ‌طلبی برخوردار بودند، سیا باید از کانال علمای دینی و دربار به سراغ آنها می‌رفت که این تغییر ساختاری استفاده کند. تزریق شبکه عرب زبان به القاعده و ظهور اشخاصی چون اسامه بن لادن و ایمن الظواهری در کنار عناصر تشکیلاتی عربزبان که باعث شد القاعده در ساختار از ۲ بستر نیروهای انصار (بومی) و مهاجرین (عرب زبان حاشیه خلیج‌فارس و شمال آفریقا) تشکیل شود که این سیاست آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا بر می‌گرد. ارتباط سیا با القاعده با وهبی‌ها و بومی‌ها باعث شد تشکیلات در بحران بوسنی و هرزگوین تنها ۲ سال بعد از تجاوز به افغانستان خبر لشکرکشی ارتش آمریکا به همراه ناتو به عراق منتشر شد. درست در زمانی که ایمنی که ایوه‌صعب الزوالی توانسته عراق (القاعده الجهاد فی بلاد الرافدین) راه‌اندازی و عملیاتی کند. در واقع اینجا هم بهانه‌ای جز وجود سلاح‌های کشتار جمعی برای جنایتکاران آمریکایی و نسل‌کشی غرب برای پیدا شدن وجود نداشت تا به تروریسم و القاعده شود.

در این مدت سناریوی تروریستی را بلرها از رسانه‌ها و افکار عمومی همچون مارپد اسیالیسا منجر انگلیس و عملیات بلژیک به شکل مستقیم با القاعده مواجه شدند. بروز و ظهور آن هم در ساعات اولیه صبح و قبل از ظهر که رفت‌وآمدها در نیویورک زیاد است، تا حد زیادی بود و تبلیغاتی را تعیین کرده و البته بهانه داده شده است تزریق رعب و وحشت در اوایل روز تاثیر عمیق‌تری دارد. طراحی این بازه‌های زمانی زیرکانه

نگاهی به شبکه‌سازی ۱۱ سپتامبر

چند دقیقه با القاعده

فرشاد گلزاری: ۱۷ سال پیش در چنین روزی برج چند ساعت تمام شبکه‌های تلویزیونی جهان برنامه‌های روزانه خود را قطع کردند و نگاه تمام دولت‌ها به نیویورک، جایی که برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی میهمان ۲ بوئینگ ۷۶۷ بودند معطوف شد. افکار عمومی ایالات متحده و همچنین سایر کشورها دقیقاً نمی‌دانستند چه اتفاقی در حال رخ دادن است اما کمی آن‌طرف‌تر در اتاق مانیتورینگ سازمان سیا اوضاع به گونه دیگری در حال رقم خوردن بود. بسیاری از مدیران سطح بالا و افسران عالی‌رتبه آژانس اطلاعات مرکزی با دادمهایی که از ماه‌ها قبل در دست داشتند می‌دانستند سازمان تروریستی القاعده چند ایالت آن‌طرف‌تر از آنها مشغول عملیاتی است که به گفته برخی تحلیلگران روندهای جهانی را تغییر داد. اما سال‌های این دوره که چرا در این بازه زمانی و چگونه این عملیات انجام شد؟ بر اساس داده‌هایی که در طول این ۱۷ سال کمپوسیتی مورد پالایش قرار گرفته و سپس با هر قسدی (اعم از بهره‌برداری سیاسی، امنیتی یا رسانه‌ای) منتشر شده است، مشخص شده سازمان سیا و جامعه اطلاعاتی ایالات متحده از عملیات سپتامبر آگاهی اعم بوده اما بحث اصلی این است که در کانون‌های چند لایه قدرت در آمریکا کدام چهره‌ها و شبکه‌های سیاسی و امنیتی در طراحی این سناریو دخیل بوده‌اند و به طور کامل از آن اطلاع داشته‌اند؟ پاسخ بسیار دشوار خواهد بود اما نوک پیکان معادله بدون شک به سمت دولت بوش و رسانه‌های غرب به افکار عمومی در جهان خواهد رفت که البته بر اساس اسناد عمومی و رسانه‌ای می‌توان تاحدودی این ابهام را تا شهروندان سوریه برقرار کرد تا در نهایت بتواند با الحاق به بخش عرفی جای خود را سوی منطقه و در نهایت جامعه جهانی باشد. با افزایش شدت درگیری در سوریه و بروز اختلافاتی همچون مارپد اسیالیسا منجر انگلیس و بغدادی (القاعده عراق) شاهد شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق که پاسخ آن را باید در نامه «بوسیله طرح آمریکایی برای قرن ۲۱» یافت که در سال ۱۹۹۸ به عنوان یک پیشنهاد به کلینتون - رئیس‌جمهوری وقت ارائه شد. در این طرح از کلینتون خواسته شده حکومت بعث عراق به رهبری «صدام» حسین نفوذ ایالات متحده در غرب آسیا و قرن ۲۱ تبدیل کند. به عبارت دیگر قرن بیست‌ویکم را به قرن آمریکا تبدیل کنند! بدون تردید آنچه با ظهور رسانه عمومی ایالات متحده در این عرصه بتواند سیاه‌گذاری‌های فراوانی در جهت هدایت افکار عمومی انجام دهد، پیوند رسانه با اندیشکده‌ها و هسته‌های پژوهشی است که در حوزه امنیت، سیاست و حتی اقتصاد مشغول به فعالیت هستند، چرا که تمام آنها با زیر نظر مستقیم و یا بودجه جامعه اطلاعاتی آمریکا فعالیت می‌کنند یا اینکه خوراک اطلاعاتی آنها برای برتری رسانه‌ای- اطلاعاتی از سوی سیا و سایر اجزای جامعه اطلاعاتی آمریکا تامین می‌شود. به این جهت است که نامه

جان کریاکو افسر سابق مرکز ضدتروریسم CIA

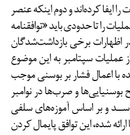

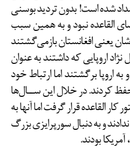

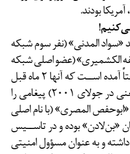

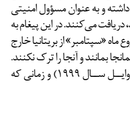

یادداشت میهمان

بن‌بست جاستا

سکندر احمدشاه: در قوانین بین‌المللی قاعده‌ای مورد اتفاق است که می‌گوید نهادهای قضایی داخلی یک کشور اختیار محکوم کردن سایر کشورها را ندارند و پیگیری این موضوع به سازمان‌های حقوقی بین‌المللی مربوط می‌شود اما بویژه در آمریکا و دیگر کشورهای کاپیتالیستی باید گفت این روند دستخوش تغییر شده است، به گونه‌ای که از دید آمریکا نقش برخی دولت‌ها در معادلات جهانی همچون یک سازمان یا شرکت تعریف می‌شود نه یک کشور! این تقسیم‌بندی که البته بسیاری از کشورهای دنیا آن را به رسمیت نشناخته و قبول ندارند، لازمه سیاست‌های کشورهای کاپیتال برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در قبال کشورهایی است که سعی در ایستادگی دارند. حال نکته اینجاست که اگر آمریکا بخواهد کشوری را متهم کرده و علیه آن طرح دعوای بین‌المللی مبتنی بر تامین خسارت کند، ابتدا باید وزارت خارجه ایالات متحده بر اساس مدارک احراز شده یک کشور یا حامی تروریسم تشخیص دهد و این اختیار را به سیستم قضایی داخلی آمریکا بدهد تا علیه آن کشور دست به اقدام قضایی بزند و به دادرسی علیه دولت خاطی مبادرت بورزد. درباره جاستا باید گفت کنگره آمریکا که از ۲ مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده با اجرایی شدن این قانون موافقت کرده و سیستم قضایی ایالات متحده را مجاز به رسیدگی به پرونده کشورهای حامی تروریسم و اقدام قضایی علیه این کشورها کرده است. نکته مهم درباره جاستا این است که چنین قانونی بر خلاف روال سابق در دستور کار قرار گرفته. یعنی روال سابق که در آن ابتدا وزارت خارجه بر اساس مدارک و شواهد یک کشور را حامی تروریسم معرفی کرده و سپس این اختیار را به سیستم قضایی برای رسیدگی به پرونده مذکور می‌داد به کلی به حاشیه رانده شده و نمایندگان آمریکایی به صورت مستقیم این اختیارات را به سیستم قضایی تفویض کرده‌اند. این اقدام کنگره مغایر با قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بوده و نمایندگان آمریکایی به صورت خاص در رابطه با حملات ۱۱ سپتامبر چنین قانونی را به تصویب رسانده‌اند که نشان از اهمیت این پرونده دارد. همان‌گونه که می‌دانید به‌رغم تصویب این قانون در مجلس نمایندگان و همچنین مجلس سنا، رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده با استناد به مغایرت آن با قانون اساسی و همچنین تاثیرات منفی و مخرب بر روابط خارجی آمریکا و افزایش خطرات ناشی از مقابله به مثل برخی کشورهای دشمن علیه آمریکا، آن را وتو کرد. واشنگتن در این فکر است که اگر در این پرونده عربستان سعودی متهم شود تبعات منفی فراوانی برای ریاض و هم برای واشنگتن به بار می‌آید. سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که چرا با وجود تصویب قانون جاستا (اجرای عدالت در برابر حامیان تروریسم) اجرای آن تا به امروز انجام نشده است. باید توجه داشت پیش از این قوانین مختلفی درباره مبارزه با تروریسم و اقدام علیه کشورهای حامی تروریسم در آمریکا در راستای مبارزه با تروریسم و کشورهای حامی آن نیست و از نظر حقوقی ساختار قوی و مستحکم‌تری دارد. البته این قانون از نظر کمی یک قانون خیلی بزرگ با مواد و تبصره‌های فراوان به شمار نمی‌رود و همان‌طور که گفته شد بیشتر شامل ارجاعاتی می‌شود که به قوانین مصوب پیشین در این رابطه مربوط است. در این بین امکان آن وجود دارد که بازماندگان به حقوق خود دست پیدا کنند اما لازمه آن این است که بتوان رابطه مستقیم میان عناصر تروریستی را که عامل حملات ۱۱ سپتامبر بودهاند با دولت عربستان سعودی عیان کرد یا اینکه مدارکی مبنی بر روابط نزدیک و البته تاثیرگذار میان تروریست‌ها با دولتمردان سعودی به دست آید. البته در این بین ضمانت اجرای این قانون هم باید در نظر گرفته شود. در حال حاضر و اجرا و عدم اجرای آن بحث وجود دارد ولی در صورت برداشته شدن موانع و اجرایی شدن قانون، سیستم قضایی